

بچه‌ها نگران اخلاق پدرها و مادرهایشان هستند!

حرف‌های طنز نویسان درباره طنز کودکان

نگار پدram

فرهنگ معین، طنز را فسوس کردن، مسخره کردن، طعنه زدن، سرزنش کردن، مسخره، طعنه، سرزنش و ناز تعریف کرده است.^۱ فرهنگ عمید، ریشخند کردن را نیز به این مجموعه افزوده است.^۲

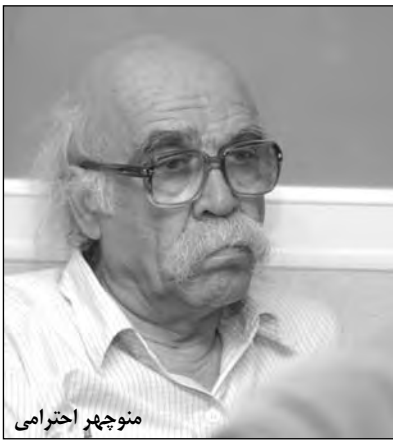
اما امروز مفهوم طنز با هجو، هزل و... درهم آمیخته است. شاید دلیل این که حتی در فرهنگنامه‌ها نیز تعریف این مفاهیم، بسیار به یکدیگر نزدیک است. برای مثال در فرهنگ معین هجو، شمردن معایب کسی، نکوهیدن، دشنام دادن کسی به شعر، سرزنش... سخن بیهوده و پوچ و مزخرف تعریف شده است.

از طرفی، خلاف نظر عده‌ای که هجو را سخیف قلمداد می‌کنند، برخی آن را یکی از غنی‌ترین زمینه‌های بررسی مسائل اجتماعی شعر فارسی و یکی از شاخه‌های اصیل و پرتکاپوی ادبیات می‌دانند.^۳

به طور کلی، اگر طنز را لطیفه‌ای بدانیم که خنده را بهانه‌ای برای بیان حقایق تلخ قرار می‌دهد، می‌توان به قول فروید، هجو را لطیفه‌تهاجمی دانست.^۴

درواقع تفکیک هجو، طنز، هزل و... در عمل، از یکدیگر بسیار مشکل است. نکته مهم این است که مرز بین هجو و طنز بزرگسالان و کودکان و نوجوانان نیز بسیار باریک و لغزنده بوده





منوچهر احترامی

تفاوت‌های طنز کودک و نوجوان با طنز بزرگسال است.»

پویک صابری فومنی، سردبیر مجلهٔ بچه‌ها گل آقا، تفاوت طنز کودک و نوجوان را با طنز بزرگسال، مثل تفاوت سایر موضوعات مربوطه به کودک و نوجوان و بزرگسال می‌داند و می‌افزاید: «به نظر من طنز کودک نداریم، اما دنیای کودک کاملاً تخیلی و فانتزی است و کودک هنوز دنیای واقعی را به خوبی نمی‌شناسد و متون نوشتاری کودکان، چه داستان و چه شعر، باید با فضای ذهنی آن‌ها هماهنگ باشد و ناخودآگاه، کودکان رایه سوی سادگی و شادی نزدیک کند. البته در دورهٔ نوجوانی، چون نوجوانان مفاهیم را بهتر درک می‌کنند، دست ما برای ارائه طنز بازر است.»

وی طنز و کاریکاتور را برای بچه‌ها جذاب می‌داند و معتقد است: «گاه کودکان و نوجوانان، جذب‌مطلبی می‌شوند که برای سن آن‌ها قابل درک نیست و مفاهیم آن را در سال‌های بعد درک می‌کنند. مثل کتاب شازده کوچولو که مفاهیم گسترده‌ای دارد، اما بچه‌ها آن را می‌خوانند. طنز هم می‌تواند همین‌طور باشد. درواقع اشتیاق به مطالعه و عادت خواندن، برای ما مهم‌تر است.»

امیرمهدی ژوله نیز دربارهٔ تفاوت طنز نوجوانان و بزرگسالان می‌گوید: «مرز مشخصی نمی‌توان بین طنز نوجوان و بزرگسال کشید. بسیاری از طنزهای بزرگسالان را نوجوانان می‌خوانند و برعکس؛ چون نوجوانان به دنیای بزرگسالان بسیار نزدیک هستند. حتی طنز تصویری هم مخاطب مشترک دارد و باوجود آن که بسیاری از موضوع‌های مطرح شده در آن، مربوط به بزرگ‌ترها است، ولی بچه‌ها هم آن‌ها را می‌بینند.»

احمد عربانی، دربارهٔ کاربرد طنز می‌گوید: «در وهلهٔ اول کاربرد خنده صرفاً شادی و نشاط و خندانیدن است، اما ماهیت طنز با شادی و خنده فرق دارد. طنز باید توأم با تفکر باشد. البته در طنز کودکان و نوجوانان، تفکر و نظریات سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و... کم‌تر بار فکاهی آن بیشتر است، در حالی که طنز بزرگسالان باید عمیق‌تر باشد.»

انواع طنز

در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان طنز را به طنز نوشتاری و تصویری تقسیم کرد. طنز تصویری نیز خود دو نوع است: (۱) تصاویر طنز در نشریات و کتاب‌ها که کاریکاتور در این دسته‌بندی قرار می‌گیرد و (۲) طنز تصویری که در برنامه‌های تلویزیون و فیلم‌های سینمایی کاربرد دارد. درواقع این دسته‌بندی، براساس شیوه‌ها و ابزارهای ارائه طنز به مخاطب است.

و شناخت این مرز دشوار است. نمونهٔ بارز آن، برنامه‌های طنز تلویزیون است. که اگر چه برای بزرگسالان ساخته می‌شود، مخاطبان گروه سنی کودک و نوجوان این برنامه‌ها بیشتر است.

تفاوت طنز بزرگسالان و کودک و نوجوان

منوچهر احترامی، با بیان این که شیوه‌های طنز در مورد کودک و نوجوان و بزرگسال یکسان است، می‌گوید: «الفبای طنز، الفبای مشخصی است با ویژگی‌های تعریف شده یا قابل تعریف که چندان قابل تغییر نیست. بنابراین، اگر تفاوتی بین طنز کودک و نوجوان و بزرگسال باشد، حتماً حاصل تجربه و درایت طنزنویس است که دنیای ذهنی کودکان و نوجوانان را می‌شناسد و با گستره دانش و اطلاعات عمومی آنها آشنایی دارد.»

طنز نویس کودک و نوجوان، آن بخش از پدیده‌ها را دستمایه کار خود قرار می‌دهد که کودکان و نوجوانان، آن را بیشتر درک می‌کنند و برایش جالب‌تر است.»

فرهاد حسن زاده، طنز گروه سنی کودک را از طنز نوجوان مجزا می‌داند و معتقد است: «هر کدام از دو گروه سنی کودک و نوجوان، ویژگی‌های خاصی دارند که در تفکیک طنز این دو گروه سنی باید به ویژگی‌های هر گروه توجه کرد. حتی کودک پیش دبستانی، با کودک سال‌های آغاز دبستان تفاوت دارد و برای هر گروه، ادبیات و طنز خاصی نیاز است. البته، تفاوت‌هایی بین طنز کودک و بزرگسال وجود دارد.»

این طنزپرداز، تفاوت‌های طنز کودک و بزرگسال را این‌گونه بیان می‌کند: «طنز کودک بیشتر در فضای فانتزی و خیالی شکل می‌گیرد، اما طنز بزرگسال بیشتر به واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی زندگی که گاه تلخ و سیاه نیز هست، پهلو می‌زند. هم چنین، در طنز کودک و گاه نوجوان به راحتی می‌توان به زمان و مکان غیرممکن رفت و برگشت و یا با استفاده از شخصیت‌های حیوانی، خیالی و فانتزی، مسائل واقعی زندگی را بیان کرد. در حالی که در طنز بزرگسال، به ندرت چنین اتفاقی می‌افتد و این طنز به رئالیسم و حتی ناتورالیسم نزدیک‌تر است.»

وی دربارهٔ زبان در طنز کودک و نوجوان می‌گوید: «زبان در طنز کودک و نوجوان، باید تابعی از دانسته‌ها و آگاهی‌های بچه‌ها باشد. از آن جا که ذخیره واژگانی بچه‌ها محدود است، این زبان باید روان و به دور از آسیب‌های زبان شفاهی کوچه و بازار و صداوسیما باشد. در حالی که در طنز بزرگسالان، زبان، آزادی بیشتری دارد و می‌توان با پشتوانه ادبیات کهن و فرهنگ عامیانه، طنزهای کرد. البته محدودیت‌های موضوعی نیز یکی از

بچه‌ها در درک موقعیت

بسیار توانا هستند و طنز نویس

با استفاده از عامل توصیف،

می‌تواند موقعیت‌های

طنز آمیز را

به خوبی بیان کند

با وجود آن که سیاست،

اقتصاد، جامعه و...

موضوع‌های خوبی برای طنز

بزرگسالان هستند،

بیان آن‌ها در طنز کودکان

و نوجوانان،

تأثیری نخواهد داشت

طنز نوعی تعلیم است

و نمی‌توان کودکان

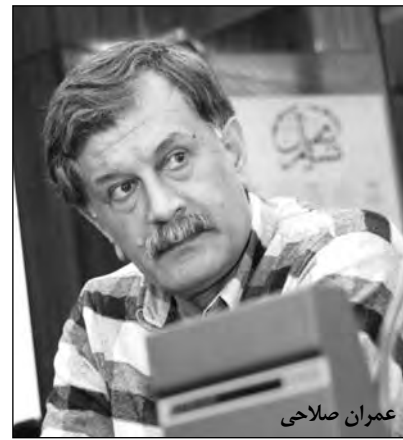
و نوجوانان را به بهانه

یا گمان حفظ و حراست ایشان

و یا هر بهانه‌ای

از این نوع تعلیم

محروم کرد



عمران صلاحی

ایهام، ابهام و سایر صنایع ادبی که در طنز بزرگسال کاربرد و تأثیر فراوانی دارد، بهتر است در طنز کودک و نوجوان مورد استفاده قرار نگیرد

عربانی:
در وهله اول کاربرد خنده
صرفاً شادی و نشاط و
خنداندن است،
اما ماهیت طنز با شادی
و خنده فرق دارد.
طنز باید توأم با تفکر باشد

از نگاه دیگر و در چارچوب همین تقسیم‌بندی، می‌توان انواع دیگری مثل طنز کلامی، طنز موقعیت، طنز شخصیت و... را نیز در نظر گرفت.

منوچهر احترامی، طنز را محصول بی‌نظمی پدیده‌ها می‌داند و معتقد است: «طنز انواع مختلفی ندارد. شاید بتوان شیوه‌های گوناگونی برای ارائه طنز بیان کرد. طنز کلام، موقعیت و حرکت، از آن جمله است که هر کدام در جای خود کاربرد مؤثرتری دارد. برای مثال، طنز روایی و کلامی در کتابت و طنز موقعیت و حرکت در نمایش بیشتر کاربرد دارد.»

وی می‌افزاید: «در سینما با استفاده از امکاناتی که دوربین در اختیار کارگردان قرار می‌دهد (زوم، فیلد، تیلد، کات و...) و یا حتی تغییر رنگ و درجه وضوح تصویر، می‌توان طنز را به گونه دیگری ارائه داد. از طرفی، در شیوه‌های قدیمی نمایش‌های هنری، نوعی حرکات سمبلیک وجود دارد که با معیارهای امروزی، می‌توان آن‌ها را طنز سوررئالیستی به حساب آورد.»

این طنزپرداز، مناسب‌ترین نوع طنز برای کودکان و نوجوانان را طنز موقعیت می‌داند و معتقد است: «بچه‌ها در درک موقعیت بسیار توانا هستند و طنزنویس با استفاده از عامل توصیف، می‌تواند موقعیت‌های طنزآمیز را به خوبی بیان کند. در همین راستا، طنز کلامی هم می‌تواند به تأثیر طنز موقعیت بیفزاید و ترکیبی از این دو شیوه ارائه طنز، با رعایت محدودیت دایره اطلاعات بچه‌ها می‌تواند مناسب‌ترین شیوه ارائه طنز نوشتاری کودکان و نوجوانان باشد.»

عمران صلاحی هم طنز موقعیت را برای بچه‌ها قابل فهم می‌داند و می‌گوید: «در طنز کودکان و نوجوانان، کلام باید در خدمت موقعیت باشد؛ چون بچه‌ها از حرکت و جنب و جوش بیشتر لذت می‌برند. استقبال بچه‌ها از فیلم‌های کم‌دی صامت و کارتون، این را ثابت می‌کند. در طنز کلامی، طنزپرداز بیشتر به بازی‌های زبانی می‌پردازد که این نوع طنز برای بچه‌ها ثقیل است. در واقع، ابهام، ابهام و سایر صنایع ادبی که در طنز بزرگسال کاربرد و تأثیر فراوانی دارد، بهتر است در طنز کودک و نوجوان مورد استفاده قرار نگیرد.»

داوود امیریان، با بیان این که طنز توصیفی و کلامی برای بچه‌ها ماندگار نیست، می‌گوید: «بیان متل‌ها و متل‌های قدیمی، برای بچه‌ها چندان جذاب نیست. هم چنین، طنز شخصیت نیز طنز مناسبی برای کودکان و نوجوانان نیست. برای مثال، استفاده از لهجه‌ها ممکن است خنده‌دار باشد، ولی از دید اخلاقی، راهکار مناسبی

برای ارائه طنز نخواهد بود. در حالی که طنز موقعیت، علاوه بر جذاب بودن، هنر نویسنده را هم نشان می‌دهد؛ چرا که طنز پرداز بدون کلام به خلق موقعیت‌های طنزآمیز می‌پردازد.»

امیرمهدی ژوله، طنز موقعیت را جذاب توصیف کرده و معتقد است: «خلق موقعیت طنز در تصویر، بسیار مشکل است. به همین دلیل، در بیشتر مواقع دو نفر با هم گفت و گو می‌کنند و از طنز کلامی برای جذب مخاطب بهره می‌گیرند. این همان طنز مستقیم است که با استقبال بچه‌ها هم رو به رو می‌شود. آن‌ها رک و صریح بودن طنز را بیشتر می‌پسندند و شاید طنز موقعیت، برای‌شان چندان جالب نباشد. حتی کاریکاتور هم باید واضح و مشخص باشد تا با مخاطب ارتباط برقرار کند.»

فرهاد حسن‌زاده نیز برای بیان بهترین نوع طنز در آثار کودکان و نوجوانان، به انواع طنز اشاره می‌کند: «بچه‌ها به آسانی می‌خندند؛ از لطفه گرفته تا فکاهی و طنزهای عمیق چند لایه. ممکن است بچه‌ها، به دلیل تجربه و مطالعه و سن و درک خود، تنها متوجه بعضی از مطالب یک طنز عمیق شوند، اما آن چه در ذهن آن‌ها می‌ماند و یادآوری آن، برای‌شان شادی به همراه دارد، طنزهای موقعیت است. البته در صورتی که شخصیت‌ها به خوبی طراحی شده باشند، با آن‌ها هم همذات‌پنداری می‌کنند و حتی زوایای پنهان شخصیت‌ها را در ذهن و تخیل خود می‌سازند. این تجربه عینی خود است و هر بار که شخصیتی را در نوشته‌های طنز مطبوعاتی خلق کرده‌ام، بچه‌ها بهتر از من او را شناخته‌اند. برای مثال، شخصیت «ورپریده» در کیهان بچه‌ها، چون پسری رک، صریح و بذله گو بود و از زاویه دید بچه‌ها مسائلی را مطرح می‌کرد، مورد استقبال بچه‌ها قرار گرفت. من از طریق شخصیت‌های طنز «آقای سه سوت» و «نییم سوت» هم که در نشریه دوچرخه منتشر می‌شود، توانستم با بچه‌ها ارتباط برقرار کنم؛ طوری که بچه‌ها نامه‌های‌شان را خطاب به این دو شخصیت خیالی می‌نویسند.»

محدودیت‌های طنز کودک و نوجوان

در طنز کودکان و نوجوانان، محدودیت‌هایی وجود دارد که برخی از این محدودیت‌ها توسط خود طنزپرداز اعمال می‌شود. برای مثال، نویسندگان کودک و نوجوان، از بیان مسائل غیراخلاقی (چه در مطالب طنز و چه در غیر آن) خودداری می‌کنند. از طرفی، با وجود آن که سیاست، اقتصاد، جامعه و... موضوع‌های خوبی برای طنز بزرگسالان هستند، بیان آن‌ها در طنز کودکان و نوجوانان، تأثیری نخواهد داشت. منوچهر احترامی، محدودیت‌های طنز کودک



داود امیریان

مادر زمینه طنز مذهبی کمبود محسوسی داریم که حاصل خودسانسوری طنز پردازان است

عربانی:

سیاست، جنگ، ورزش،
اقتصاد، پزشکی و...
هر یک موضوعی مناسب
برای نگارش یک متن طنز است
و در اغلب کشورها
با استفاده از طنز
از شخصیت های سیاسی و
بلند پایه کشورها
انتقاد می شود

طنزپردازان، دانستنی های بچه ها را درباره آن چه نباید بدانند، بیشتر از بزرگ ترها توصیف می کند و معتقد است که امروزه بچه ها نگران اخلاق پدر و مادرهای شان هستند!

داوود امیریان نیز به این موارد اشاره می کند: «طنز جنسی و یا شوخی های زناشویی، طنز سیاسی و... از مواردی است که به درد بچه ها نمی خورد و نباید هم از آن ها برای ارائه یک متن طنزآمیز به کودکان و نوجوانان استفاده کرد. البته، برخی محدودیت های غیر ضروری هم وجود دارد که در واقع به نوعی خودسانسوری است. برای مثال، ما در زمینه طنز مذهبی کمبود محسوسی داریم که حاصل خودسانسوری طنزپردازان است.

در حالی که می گویند، حضرت عباس (ع) آن قدر شوخ طبع بوده که مردم به حضرت علی (ع)، از شوخ طبعی ایشان شکایت می کردند. منظورم این است که شوخی محترم و اخلاقی، نباید کاری زشت و ناپسند تلقی شود.»

پوپک صابری فومنی، محدودیت هایی را که در طنز کودک و نوجوان وجود دارد، چنین برمی شمرد: «یکی از محدودیت های طنز کودک و نوجوان، مربوط به مسائل تربیتی، روان شناسی و به ویژه آموزشی است و ما مجبوریم آن ها را رعایت کنیم که البته رعایت این موارد تأثیر مثبتی خواهد داشت. برای مثال، ما در مجله بچه ها گل آقا، باید ضمن رعایت نگارش صحیح کلام درست مانند شیوه نگارش آموزش و پرورش عمل کنیم. ما هر سال جزوه های فرهنگستان را تهیه می کنیم و براساس آن مطالب مان را می نویسیم. متأسفانه هنوز فرهنگستان اصول مدونی ندارد. به هر حال، این مشکل ممکن است، تنها برای طنز کودکان و نوجوانان، بلکه در مورد سایر مطالب مربوط به آن ها نیز وجود داشته باشد.»

سردبیر مجله بچه ها گل آقا، یکی از محدودیت های طنز را تصور غلط افراد جامعه از طنز می داند و معتقد است: «هنوز کسانی هستند که کاریکاتور را کاری مسخره می دانند. مثلاً ما در بچه ها گل آقا، ستونی داشتیم که در آن درباره مضرات سیگار صحبت می شد. این مطالب مورد استقبال بچه ها قرار گرفت و به نظر من کار خوبی بود، اما والدین سیگاری معترض شدند که شما کاری کردید که بچه های ما پررو شدند.»

امیرمهدی ژوله، ضمن اشاره به محدودیت های فعلی در عرصه طنز، همه آن ها را غیر ضروری می داند. او معتقد است که بچه های امروز، در عصر کامپیوتر و اینترنت، حتی با مسائلی که مربوط به آن ها نیست هم آشنایی دارند و اعمال محدودیت از سوی بزرگ ترها، بی فایده است!

احمد عربانی، با بیان این که طنز کودک و

نوجوان را مشابه محدودیت های طنز بزرگسالان می داند. وی محدود بودن دایره اطلاعات عمومی و دید خاص کودکان و نوجوانان به زندگی را نیز از محدودیت های طنز آن ها برمی شمرد و می افزاید: «اعمال محدودیت بیش از حد توسط طنزنویس، ناآشنایی او را با توانایی های ذهنی و نیازهای عاطفی کودکان و نوجوانان نشان می دهد. طنز نوعی تعلیم است و نمی توان کودکان و نوجوانان را به بهانه یا گمان حفظ و حراست ایشان و یا هر بهانه ای از این نوع تعلیم محروم کرد. در غیر این صورت، جبران این محرومیت به آسانی ممکن نیست.»

فرهاد حسن زاده، مسائل سیاسی را عمده ترین و جذاب ترین موضوع برای طنزنویس می داند، اما بیان آن را در نشریات کودکان و نوجوانان، نامناسب توصیف می کند. وی با اشاره به مسائل و دغدغه های بچه ها می گوید: «روابط خاص آدم بزرگ ها، به ویژه در زمینه های فلسفی و عاشقانه، گاه پیچیده و برای بچه ها غیرقابل درک است. از سوی دیگر، بیان برخی موضوعات و مفاهیم از دید تربیتی و اخلاقی، برای کودکان و نوجوانان بدآموزی دارد و پرداختن به چنین مسائلی که با دغدغه های بچه ها در تضاد است، از گناهان کبیره محسوب می شود.»

عمران صلاحی نیز محدودیت های طنز کودک و نوجوان را با محدودیت های ادبیات این گروه سنی یکی می داند و معتقد است که شاعر و نویسنده کودک و نوجوان باید این خطوط قرمز را رعایت کند. البته او نیز مانند بسیاری از





فرهاد حسن زاده

هر کدام از دو گروه سنی کودک و نوجوان، ویژگی‌های خاصی دارند که در تفکیک طنز این دو گروه سنی باید به ویژگی‌های هر گروه توجه کرد

پوپک صابری: طنز کودک و نوجوان ویژگی‌های خاصی دارد و نباید طنز اخلاقی و شریف را با هزل اشتباه گرفت. طنز بچه‌ها باید آثار تربیتی بر آن‌ها داشته باشد و به بچه‌ها لبخند هدیه دهد

نوجوان امروز افسارگسیخته شده، می‌افزاید: حتی می‌توان از سیاست هم در طنز کودکان و نوجوانان صحبت کرد؛ چون بچه‌ها در هر سنی که باشند، باید با مسائل سیاسی کشورشان آشنا شوند. البته، وجود یک سری محدودیت در طنز کودکان و نوجوانان لازم است. به ویژه امروز، طنز اصول ثابت و مشخصی ندارد و بنابراین، شناخت مبانی آن و پایبندی به برخی خطوط قرمز، ضروری به نظر می‌رسد. در حالی که در حال حاضر، هر نوشته‌ای به اسم طنز کودکان و نوجوانان، منتشر می‌شود. در صورتی که برای بچه‌ها، ارائه طنز فاخر و برتر بسیار مهم است و چون طنز بهتر از سایر انواع ادبی، با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند، باید به وسیله آن دید هنری بچه‌ها را تغییر داد.»

ویژگی‌ها و مشکلات طنز کودکان و نوجوانان

ویژگی‌های طنز کودک و نوجوان، به نوعی با محدودیت‌های آن در ارتباط است. در واقع، به دلیل اعمال چنین محدودیت‌هایی از طرف طنزپرداز و مراجع قانونی، هم چنین محدودیت‌هایی که ادبیات کودک و نوجوان به دلیل سطح سواد و معلومات مخاطب دارد، طنز کودکان و نوجوانان هم ویژگی‌های خاصی را به طنزپرداز تحمیل می‌کند. در صورت عدم توجه به این ویژگی‌ها، طنزپرداز از ارتباط با مخاطب ناتوان خواهد بود.

پوپک صابری فومنی، شادی را حق بچه‌ها می‌داند و می‌گوید: «ما به عنوان طنزنویس و کاریکاتوربست، باید به این حق کودکان و نوجوانان توجه کنیم. طنز ابزار خوبی برای احقاق این حق بچه‌ها است. البته، طنز کودک و نوجوان ویژگی‌های خاصی دارد و نباید طنز اخلاقی و شریف را با هزل اشتباه گرفت. طنز بچه‌ها باید آثار تربیتی بر آن‌ها داشته باشد و به بچه‌ها لبخند هدیه دهد.»

وی سپس به تصویرگری طنز اشاره می‌کند و می‌افزاید: «تصویرگری مطلب طنز، با تصویرگری محض تفاوت دارد. ما در مجله بچه‌ها گل‌آقا، سعی می‌کنیم تصاویر یک متن طنز، کاریکاتور باشد. در واقع به جای تصویرکردن تکه‌ای از داستان، تصویری مجزا از متن طراحی می‌کنیم. این کار بسیار سخت‌تر از تصویرگری سایر مطالب است. البته تصویرسازی متن طنز، به شکل کاریکاتور، همیشه هم ممکن نیست؛ چون کمبود وقت و فضای کم یک نشریه طنز، در مقایسه با کتاب، این امکان را از تصویرگر می‌گیرد. هر چند تعداد کتاب‌های طنز منتشر شده برای کودکان و نوجوانان، بسیار کم است و تصاویر این کتاب‌ها هم توسط تصویرگران سایر کتاب‌ها

طراحی می‌شود و از کاریکاتوربست‌ها برای طراحی و تصاویر کتاب‌های طنز دعوت نمی‌شود. این مسئله و هم‌چنین پایین آمدن کیفیت چاپ کتاب‌های کودکان و نوجوانان، ویژگی‌های طنز این گروه سنی را تغییر داده است.»

فرهاد حسن زاده، درباره ویژگی‌های طنز در نشریات کودکان و نوجوانان، چنین می‌گوید: «محدودیت طنز برای این گروه از مخاطبان و محدودیت‌های حاکم بر فضای مطبوعات، از عواملی است که ویژگی‌های خاصی را برای طنز بچه‌ها به وجود می‌آورد. ما در نشریات کودک و نوجوان، با شاکیان فرضی زیادی مواجه هستیم. اگر طنز بزرگسال شاکیان خصوصی حقیقی و حقوقی دارد، در طنز کودک و نوجوان، پدران و مادرانی هستند که فکر می‌کنند فرزندان‌شان با خواندن برخی مطالب، از راه به در می‌شوند و آسیب می‌بینند. در حالی که آن‌ها نگران بدآموزی‌های صداوسیما نیستند.»

مسئول ستون سه سوت، ویژه‌نامه دوچرخه، می‌افزاید: «نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که صفحه طنز یکی از محبوب‌ترین بخش‌های هر مجله است، اما این صفحه محبوب، آن چنان که باید، جدی گرفته نمی‌شود؛ شاید به این دلیل که نویسندگان حرفه‌ای طنز را جدی نمی‌گیرند و برای آن وقت صرف نمی‌کنند. باید در این عرصه، سرمایه‌گذاری مادی و معنوی شود تا به طنزی در خور نیاز مخاطبان رسید.»

امیر مهدی ژوله، ویژگی‌های طنز کودک و نوجوان را این نکات می‌داند: بچه‌های امروز با متر و معیارهای خاصی بزرگ می‌شوند. درک مطالب طنز قدیمی برای این بچه‌ها که در دنیای مدرن زندگی می‌کنند، دشوار است. شوخی با مسائل اطراف بچه‌های این دوره، از جمله مده، کامپیوتر، چت کردن و... برای بچه‌ها آشناتر و جالب‌تر است. از طرفی این گروه از بچه‌ها، حوصله خواندن مطالب بلند را ندارند و فقط رعایت ایجاز و بیان مطلب در قالب داستان‌های کوتاه، می‌تواند مؤثر باشد. نوجوانان در اینترنت، به وسیله یک شکل یا علامت، منظور خود را به طرف مقابل می‌رسانند. در واقع، همین ویژگی‌های دنیای جدید، ویژگی طنز را تغییر داده است.»

این طنزپرداز، هم چنین با بیان این که به روز بودن طنز نشریات، یکی از ویژگی‌های آن‌هاست. کتاب‌های طنز را نیازمند مطالب ماندگار می‌خواند.

داوود امیریان، وجود طنز تلخ را در آثار کودکان و نوجوانان، از عوامل مؤثر در جذابیت آن توصیف کرده و معتقد است: «در کارهای هوشنگ مرادی کرمانی، از طنز تلخ، به زیبایی برای ارتباط



امیرمهدی ژوله

فرض می‌کردند. در حالی که طنز می‌تواند یکی از بهترین شیوه‌های انتقاد باشد. این مسئله در تمام دنیا پذیرفته شده و حتی در آثار نویسندگان بزرگی چون برنارد شو و آنتوان چخوف هم کارهای طنزآمیز وجود دارد.

سیاست، جنگ، ورزش، اقتصاد، پزشکی و... هر یک موضوعی مناسب برای نگارش یک متن طنز است و در اغلب کشورها با استفاده از طنز از شخصیت‌های سیاسی و بلند پایه کشورها انتقاد می‌شود. از نمونه‌های موفق خارجی، می‌توان به کتاب‌های «دنیای کوچک دن کامیلو» و «رفیق دن کامیلو» نوشته جوانی گوارسکی، طنز پرداز ایتالیایی اشاره کرد که ماجرای یک شهردار و کشیش را باز می‌گوید.

نمونه موفق ایرانی که در واقع طنز مطبوعات محسوب می‌شود، کارهای مرحوم کیومرث صابری فومنی است که با طنز خاص خود توانست حتی شخصیت‌های سیاسی کشور را نیز نقد کند. در واقع شاید تنها او معنای واقعی طنز را که انتقاد هم بخشی از آن است، دریافته بود.

البته در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان، تعریف طنز دشوارتر است و نمی‌توان هر نوشته‌ای را به اسم طنز ارائه داد.

در واقع مثل همیشه هر مفهوم و موضوعی تا درحوزه بزرگسال جا نیفتد، طرح آن درعرصه کودک و نوجوان بی‌فایده خواهد بود. بنابراین، لازم است ابتدا طنز، تعریف، تأثیر و نقد آن در ادبیات بزرگسال مطرح شود و سپس همین مسائل در عرصه ادبیات کودک و نوجوان هم مورد بررسی قرار گیرد.

باید پذیرفت که کودکان و نوجوانان، دیگر به داستان‌های ملانصرالدین نمی‌خوانند. برای آن‌ها اشعار عبید زاکانی و سعدی، سنگین و خسته کننده است. نوشتن مطالب طنزآمیز، به شیوه‌های قدیمی و بدون توجه به علایق بچه‌های امروز، در کتاب‌های درسی بی‌فایده است. کودکان و نوجوانان امروزه از زبان و اصطلاحات کاملاً متفاوتی بهره می‌برند که برگرفته از فرهنگ لغات مخفی است. و سخن آخر این که تا وقتی کتاب‌های طنز کودکان و نوجوانان، از «ادب کردن» بچه‌ها دست برندارند، نسل آینده، طنز را در برنامه‌های صداوسیما و در شکل فرهنگ لغات مخفی خودشان جست و جو خواهند کرد.

پی‌نوشت

۱- فرهنگ معین

۲- فرهنگ فارسی به فارسی عمید، چاپ سوم، ۱۳۶۰

۳ و ۴- کاسب، عزیزالله: چشم انداز تاریخی هجو،

نشر مؤلفه، ۱۳۶۶

با مخاطب استفاده شده است. این رویکرد، خواننده را وادار به فکر کردن می‌کند. رعایت این ویژگی، تأثیر بسیاری دارد و مانند نشان دادن یک قطعه جواهر در سطل زباله، توجه مخاطب را جلب می‌کند.»

منوچهر احترامی، دوران طلایی طنز کودکان و نوجوانان را مربوط به زمانی می‌داند که بچه‌ها در مکتبخانه، از روی گلستان سعدی درس می‌خواندند.

شاعر کتاب «حسنی نگو یه دسته گل»، می‌گوید: «این روزها، طنز در عرصه ادبیات کودک و نوجوان، حضور ندارد. در سال‌های دور، گاه قصه‌های طنزآمیزی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش به چشم می‌خورد، اما در شرایط فعلی، متولیان ادبیات کودک و نوجوان، فکر می‌کنند که طنز بچه را جلف و سبک و حتی بی‌سواد بار می‌آورد. شاید این تصور، ناشی از مفهوم بسیار ظریف طنز باشد که با اندکی مسامحه، با هزل و هجو و یاوه‌گویی اشتباه گرفته می‌شود. البته این اشتباه، کم کم تصحیح خواهد شد. ایجاد واحد طنز در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، نمودی از آن است. البته هنوز تا مشخص شدن جایگاه واقعی طنز در ادبیات کودک و نوجوان، راه درازی در پیش است. درعین حال، تلاش نشریاتی مانند بچه‌ها گل آقا و رشد نوجوان را که زمینه‌ساز ورود جدی طنز به ادبیات کودک و نوجوان بوده‌اند و رویکرد معدودی از طنزنویسان مجرب، مثل هوشنگ معمارزاده و عمران صلاحی را به عرصه ادبیات کودک و نوجوان، نباید از نظر دور داشت.»

احمد عربانی، درباره ویژگی‌های طنز کودکان و نوجوانان، چنین می‌گوید: «برخی از سوژه‌هایی که در طنز بزرگسالان رایج است، برای بچه‌ها مناسب نیست. طنز کودکان و نوجوانان باید مثل داستان‌ها و قصه‌های آن‌ها، ساده و بار تربیتی داشته باشد. از طرفی در طنز بچه‌ها، بهتر است شیوه‌های نگارش صحیح ما به طور غیرمستقیم آموزش داده شود.»

وی می‌افزاید: «طنز تصویری برای بچه‌ها جذاب‌تر است؛ چون آن‌ها حوصله و فرصت خواندن ندارند. به همین دلیل است که کتاب‌های کمیک‌استریپ که متن کمی دارند، برای بچه‌ها جالب است. همچنین، طنز منظوم و به شکل جدید بهتر از طنز منثور و طنز کهن است.»

تعداد کتاب‌های طنز کودکان و نوجوانان آن‌قدر کم است که می‌توان طنز را موضوع جدیدی در عرصه ادبیات کودک و نوجوان به حساب آورد. شاید به این دلیل که طنز بزرگسال هم در ایران، چند سالی است که پذیرفته شده. پیش از این، طنز را سخیف و طنزپرداز را دل‌فک